

**تحلیل استناد‌های قرآنی در هفت شرح منتخب نهج البلاغه
(مطالعه موردی پنجاه خطبه نخست)**

محمود کریمی* / نجیبه احمدی**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۳۰

چکیده

به دلیل آمیختگی کلام امام علی (علیه السلام) با قرآن، و قرین بودن قرآن با عترت به حکم حدیث شریف ثقلین، مضمون کلی نهج البلاغه نیز قرآنی است. بنابراین، قرآن یکی از کارآمدترین منابع فهم کلام امام است و به همین جهت شروع متعدد نهج البلاغه از استناد‌های قرآنی بهره برده اند. مقاله پیش رو، با هدف شناخت بهتر شروع و تبیین تاثیر پذیری شارحان نهج البلاغه از قرآن به بررسی استناد‌های قرآنی شارحان و گونه شناسی این استناد‌ها پرداخته است. بدین منظور از روش توصیفی تحلیلی و نیز از ابزارهای آمار و جداول استفاده شده و شرح ۵۰ خطبه اول نهج البلاغه از شرح‌های معارج نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ابن میثم، تنبیه الغافلین، عبده، فی ظلال نهج البلاغه و شرح منهج البراعه خویی مورد جستجو و بررسی قرار گرفته است. نتایج مقاله که مبتنی بر تحلیل آماری است به صورت جداول کمی و توضیحات کیفی ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت و کمیت استفاده از شواهد قرآنی در شرح‌های مورد مطالعه متفاوت است. از جهت کمیت، شرح‌های منهج البراعه و شرح ابن میثم بیشترین استناد را به قرآن داشته‌اند. در مقابل، شرح شیخ محمد عبده کمترین شواهد قرآنی را در خود جای داده است. از جهت کیفی نیز رابطه معناداری بین رویکرد کلی شارح با میزان استناد‌های قرآنی وی وجود دارد.

karimiimahmoud@gmail.com

n.ahmadi606@yahoo.com

* دانشیار دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

** دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب

واژگان کلیدی

شارحان نهج البلاغه، استناد های قرآنی، گونه شناسی، تفسیر لغوی، معنای ترکیبی سیاقی، گزارش های روایی و غیر روایی.

مقدمه

یکی از سرمایه‌های بسیار ارزشمند جهان اسلام و به‌خصوص شیعه، انواع شروح بر نهج البلاغه است. شرح‌هایی با رویکردهای متفاوت فلسفی، کلامی، تاریخی، و ادبی که اهل قلم و پژوهشگران این عرصه وظیفه دارند به کشف و شناسایی این شروح بپردازند تا ابعاد و زوایای گوناگون و نقاط ضعف و قوت آن‌ها روشن شود و زمینه برای فهم بهتر کلام علوی میسر گردد.

نهج البلاغه که کلام امیرالمومنین علی (علیه السلام) شاگرد وحی و قرآن است، به دلیل جدایی ناپذیری روح حضرت با قرآن، مضمونی قرآنی دارد. این کتاب شریف که «اخ القرآن» لقب گرفته همواره توجه پژوهشگران و دانشمندان این عرصه را به خود جلب کرده است و آثار زیادی در جهت فهم کلام امام به ترجمه و شرح آن اختصاص یافته است.

از ملازمه نهج البلاغه و قرآن می‌توان فهمید که یکی از کارآمدترین منابع فهم کلام امام، قرآن است و شارحان نهج البلاغه کم و بیش، از قرآن در تفسیر و شرح نهج البلاغه مدد جسته و به آن استناد کرده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت میزان حضور قرآن در شرح نهج البلاغه مستلزم انس شارح نهج البلاغه با قرآن است. به همین جهت در راستای کشف و شناسایی این شروح و ابعاد و زوایای گوناگون آنها یکی از اقدامات می‌تواند تبیین تاثیر پذیری شارحان از قرآن باشد.

از این روی پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته است تا به این دو سوال پاسخ دهد:

- کمیت و کیفیت به کارگیری شواهد قرآنی در هفت شرح منتخب نهج البلاغه چگونه است؟
- آیا می‌توان ارتباط معناداری بین عملکرد کلی شارح در شرح نهج البلاغه با استناد های قرآنی وی یافت؟

پیشینه تحقیق:

بیرامون تأثیرپذیری نهج البلاغه از قرآن، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر

اشاره کرد:

دو کتاب رابطه قرآن و نهج البلاغه از سید جواد مصطفوی، و ارتباط نهج البلاغه با قرآن کریم از مجید معارف و حامد شریعتی به طور عام پیوند قرآن و نهج البلاغه را مورد بررسی قرار داده‌اند. مقاله



های روابط بینا متنی قرآن با خطبه های نهج البلاغه از سید مهدی مسبوق، سبک‌شناسی استشهادهای نهج البلاغه به قرآن کریم از مهدی عابدی و محمدرحیمی، روش‌شناسی علامه جعفری در شرح نهج البلاغه با تأکید بر منابع و اسنادهای تفسیری از فتحیه فتاحی زاده و لعیا مرادی، روش‌شناسی منهج البراعه فی شرح نهج البلاغه از محسن رفعت، و روش‌شناسی ابوالحسن بیهقی در شرح معارج نهج البلاغه از رضا حاجیان حسین آبادی و مصطفی دلشاد تهرانی نیز بخش‌هایی را به اسنادهای قرآنی در نهج البلاغه اختصاص داده‌اند. محققان این پژوهش‌ها اسنادهای قرآنی در نهج البلاغه را به عنوان امری فرعی و حاشیه‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر آن است که به طور مستقل و یکپارچه به بررسی اسنادهای قرآنی در هفت شرح منتخب نهج البلاغه، با ارائه بسامد دقیق آیات و تحلیل آماری آنها پرداخته است.

جهت دقت در تحلیل یافته‌ها و کاهش احتمال خطا فقط شرح ۵۰ خطبه اول نهج البلاغه به عنوان مطالعه موردی انتخاب شد و اساس کار نیز بر شروح ترتیبی، کامل و پر استناد هفت شرح ابن ابی‌الحدید، ابن میثم، منهج البراعه خوئی، معارج نهج البلاغه، تنبیه الغافلین، شرح نهج البلاغه عبده، و فی ظلال نهج البلاغه قرار گرفت. در ضمن، طیف متنوعی از شروح در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است: شروح عربی و شروح فارسی، شروح اهل سنت و شروح شیعی، شروح متقدم و شروح معاصر، شروح کوتاه و شروح گسترده، و نهایتاً شروحي با عملکردهای گوناگون فلسفی، روایی، ادبی، تاریخی و ... در این جستار، برای ارزیابی و مقایسه شروح، ابتدا اطلاعات گردآوری شد یعنی هر گونه حضور قرآن (یک آیه یا بخشی از یک آیه) در شروح، اعم از تصریح شارح یا عدم تصریح به قرآنی بودن عبارت، جمع‌آوری و شمارش گردید. پس از استخراج اطلاعات به روش تحلیل آماری و ارزیابی آنها مطالب تحت سه عنوان کلی که تفصیل آنها خواهد آمد قرار گرفته و در نهایت ارزیابی مقایسه‌ای انجام شده و یافته‌ها به صورت جداول کمی و توضیحات کیفی ارائه شده است.

قبل از ورود به بررسی کیفی و کمی اسنادهای قرآنی شارحان، لازم است توضیحاتی درباره مفاهیم به‌کاررفته در بررسی اسنادهای قرآنی داده شود.

مراد از "اسناد قرآنی" در شروح نهج البلاغه در این مقاله عبارت است از: هر گونه حضور آیه یا دسته‌ای از آیات و یا حتی یک عبارت قرآنی که شارح، آن را در متن شرح خود به کار می‌برد تا به تفسیر سخنان امام و بیان مراد حضرت بپردازد. یعنی شارح علاوه بر تأیید کلام امام و استناد آن به قرآن، گاهی برای تأکید و تزیین کلام خود از آیات مدد می‌گیرد و مبنایی قرآنی برای آن پیدا می‌کند. این اسناد اعم

از استناد شخصی و مستقیم شارح به قرآن و استناد غیر مستقیم است. به عبارت دیگر، در مواردی هم که آیه ای از قرآن در ضمن یک روایت یا گزارش تاریخی مورد استناد شارح آمده، از نظر نویسندگان مقاله حاضر، استناد قرآنی محسوب می‌شود.

گونه‌های استناد به آیات قرآنی در شرح های نهج البلاغه:

در استناد به آیات قرآن اهدافی نهفته است که شارح برای دستیابی به آن‌ها کلام خود را مزین به این شواهد قرآنی می‌کند و از پشتیبانی آیات بهره می‌برد. می‌توان گفت کاربرد آیات قرآن و گونه‌های مختلف استناد به شواهد قرآنی در ذیل ۳ عنوان زیر قرار می‌گیرد:

(۱) تفسیر لغوی (شرح ادبی)

(۲) مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی

(۳) گزارش های روایی و غیر روایی

تبیین این موارد همراه با ذکر چند نمونه عبارتند از:

(۱) استنادات قرآنی در تفسیر لغوی (شرح ادبی):

استناد به قرآن کریم برای بیان معنای لغوی یک واژه یا واژه‌ها و پرداختن به ساختار صرفی کلمه و آشکار ساختن نکات ادبی و بلاغی سخن حضرت است. به عبارت دیگر این وجه از به‌کارگیری شواهد قرآنی بیشتر ناظر به ظاهر کلام امام است.

الف) نمونه این‌گونه استناد را می‌توان در خطبه اول از شرح ابن ابی‌الحدید مشاهده کرد:

حضرت علی علیه السلام در این خطبه درباره آفرینش کلی جهان می‌فرماید:

«أَشْأَلَ الْخَلْقَ أَنْشَاءً وَابْتِدَاءً ابْتِدَاءً، خَلَقَ رَا بَهْ مَحْضَ أَنْشَاءٍ پَدِيدَ أَوْرَدَ وَ سَرَّأَغَاَزَ خَلَقْتَ خَوْذَ رَا ابْتِدَا كَرْدَ.

شارح می‌گوید: «دو عبارت مترادف که به شیوه فصحا و بلغا بیان شده است؛ مانند قول خداوند

سبحان:

«لَا يَمْسُئُنَا فِيهَا نُصَبٌ وَلَا يَمْسُئُنَا فِيهَا نُعُوبٌ» (فاطر/ ۳۵) و قوله «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمَنْهَاجًا»

(مائده/ ۴۸). (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱، ۸۱)

شارح ابن ابی‌الحدید ترجیح داده است این بخش از کلام حضرت را از دریچه زیبایی‌شناسی و بلاغت مورد شرح و تفسیر قرار دهد و صحت و نیکویی ترکیب زیبای عبارت امام را که در قالب دو جمله و عبارت مترادف بیان شده به مخاطب نشان دهد و آن را با ذکر دو مثال قرآنی که به همین سبک بیان شده است

مورد تأیید قرار دهد.

ب) نمونه دیگری از استنادات قرآنی در تفسیر لغوی جهت بیان نکات ادبی و بلاغی در خطبه دوم از شرح تبییه الغافلین و تذکره العارفين:

کلامی است که حضرت علی علیه السلام در باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید که خداوند او را با دین مشهور فرستاد و در بخشی از سخنان خود می فرماید: «والامر الصادع» که کاشانی می گوید: «والامر الصادع» و به امری که به قهر الهی شکافنده بنای فاسد مشرکان است کقوله تعالی: «فَصَدَّعَ مِمَّا تَوْمَرُ» (حجر/ ۹۴) (کاشانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ۹۴) در اینجا شارح یادآور می شود که محتوای این کلام حضرت دقیقاً با آیه ای که در شرح بیان شده است مطابقت دارد. شارح به این نکته بلاغی که در علم بدیع تلمیح نام دارد یادآور شده؛ یعنی فقط اشاره ای به آیات قرآن می شود و عین الفاظ آیه در کلام گوینده یا نویسنده نمی آید. (ر. ک. تفتازانی، ج ۱، ص ۳۱۲ و معارف و شریعتی، ص ۲۱۴)

اشاره شارحان به این گونه اقتباسات قرآنی کلام امام در شروح آن ها به فراوانی دیده می شود و در این مقاله ذیل عنوان تفسیر لغوی (شرح ادبی) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۲) استنادات قرآنی شارحان در مباحث مربوط به معنای ترکیبی و سیاقی:

این گونه شواهد قرآنی که شارح در تفسیر و شرح نهج البلاغه به کار می برد، برای درک متن کلام حضرت و مفهوم باطنی عبارات و تبیین مراد واقعی امام از بیان سخن مورد نظر هست و ممکن است شارح برای رسیدن به این هدف زنجیره ای از آیات را پشت سرهم بیاورد و یا یک آیه کامل و حتی ممکن است فقط یک واژه قرآنی را به عنوان شاهد بیان کند که در اینجا برداشت کلی خود از محتوای کلام امام را به قرآن پیوند می دهد تا هم به تأیید نظر وی بیانجامد و هم ارتباط ناگسستنی کلام امام با کلام خداوند به مخاطب نشان داده شود.

تفاوت این مورد بایمان نکات ادبی بلاغی در این است که آنجا به ظاهر کلام و معنای لغوی و مفردات توجه می شود اما معنای ترکیبی سیاقی به مفهومی که در جملات یا عبارات امام وجود دارد پرداخته و ناظر به باطن کلام حضرت است.

الف) نمونه ای که از این گونه استنادات قرآنی را می توان در خطبه ۱۵ از شرح ابن میثم بیان کرد:

امام می فرماید در قبال بهشت و جهنم رهروان متفاوت اند؛ گروهی شتابان به سمت بهشت می روند و نجات می یابند و گروهی به کندی حرکت می کنند و امیدوار هستند و نهایتاً گروهی که به کوتاهی و تقصیر می گذرانند و در پرتگاه آتش سرنگون می شوند: «مقصر فی النار هوی». ابن میثم گروه سوم را اینگونه

وصف می‌کند: که آن‌ها در به دست آوردن توشه آخرت کوتاهی می‌کنند و در روز قیامت با حسرت و پشیمانی خواهند گفت:

«يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي. فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ...» (فجر/ ۲۴-۲۵)

(ای کاش برای زندگی آخرتم از پیش چیزی مهیا می‌کردم. در آن روز هیچ‌کس چون او عذاب نمی‌شود ...) (ابن میثم، ج ۱، ۳۰۷)

در اینجا شارح برای تبیین مفهوم ارائه شده در معرفی انسان‌هایی که از فرمان خدا کوتاهی می‌کنند و همچنین بیان این نکته که عاقبت کارشان به جهنم می‌رسد به آیه‌ای از قرآن استناد می‌کند که در آن عاقبت کار کافر و حسرت خوردن وی در روز قیامت نشان داده می‌شود.

۳) استنادهای قرآنی در گزارش‌های روایی و غیر روایی:

در این قسم از استنادها، آیه یا عبارت قرآنی توسط شارح به طور مستقیم مورد استناد قرار نگرفته، بلکه شارح قولی مشتمل بر آیه ای از قرآن را از معصوم یا غیر معصوم ضمن یک روایت یا گزارش تاریخی در شرح خود آورده است. از آنجایی که در این مقاله هر گونه ظهور و بروز قرآن در شرح‌های مورد مطالعه شمارش شده است، این گونه استناد غیر مستقیم شارح به قرآن نیز تحت عنوان گزارش‌های روایی و غیر روایی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. هدف شارح در این موارد، تفسیر مفردات، تبیین مفهوم باطنی سخن امام، و یا آوردن تکمله سخنان حضرت و گسترش جوانب کلام اوست.

اینگونه استناد در شرح‌های نهج‌البلاغه به رویکرد کلی شارحان بستگی دارد که در شرح تاریخی و روایی بیشتر دیده می‌شود و در برخی از شروح اصلاً مشاهده نمی‌شود.

الف) نمونه‌ی این گونه حضور قرآن در شرح ابن ابی‌الحدید:

در حاشیه شرح خطبه ۴۶، شارح در باره دعا‌های حضرت علی (علیه السلام) هنگام خروجش از کوفه برای جنگ با معاویه می‌گوید: « نصر (نصر بن مزاحم) گفت: چون علی (علیه السلام) در روز خروج از کوفه به سوی صفین، پایش را در رکاب چارپایش گذاشت، گفت: بسم الله و چون بر پشت آن نشست، گفت: «سبحان الذی سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين» زخرف/ ۱۲ (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۳، ۱۶۷).

استفاده از قرآن در اینجا به صورت بیان جزئیات سفر حضرت و تلاوت قرآن توسط وی ظاهر می‌شود.

ب) نمونه استنادات قرآنی در گزارش‌های روایی و غیر روایی در خطبه اول از شرح خوئی:

حضرت علی (علیه السلام) درباره حج می‌فرمایند که خداوند حج خانه خود را بر شما واجب کرد. شارح در بیان



اهمیت امر حج و لزوم پایبندی به آن توضیحاتی بیان می‌دارد و روایتی را در ارتباط با این موضوع ذکر می‌کند که: «از معاویه بن عمار روایت شده که گفت: از اباعبدالله سؤال کردم درباره مردی که هرگز حج خانه خدا را به‌جا نیاورده درحالی که مال هم دارد. حضرت فرمود او از کسانی است که خداوند می‌فرماید: «وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه/۱۲۴).

من گفتم: سبحان الله، کور؟ حضرت فرمود: خدا او را از راه خیر نایبنا می‌کند» (خوئی، ۱۴۰۰، ج ۲، ۲۶۵)

این‌گونه اسناد قرآنی در یک روایت تفسیری مشاهده می‌شود که شارح با انتخاب به‌جا و مناسب در این قسمت از شرح، ضمن تأیید کلام امام و تأکید بر لزوم پایبندی به امر حج، باعث تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب می‌شود و عظمت امر حج را با نشان دادن این روایت تفسیری بیان می‌دارد. پس از تبیین گونه‌های اسنادهای قرآنی شارحان مذکور، اینک بررسی کیفی و کمی این اسنادها در شرح ۵۰ خطبه اول نهج البلاغه از همین شارحان صورت می‌گیرد:

۱- شرح معارج نهج البلاغه:

أبو الحسن علی بن زید بیهقی معروف به فرید خراسان درگذشته به سال ۵۶۵ هـ ق. (آقابزرگ، ج ۱۴، ص ۱۳۷) متکلم بزرگ و از مشایخ این شهر اشوب و ذریه خزیمه بن ثابت ذو شهادتین است. (حسینی خطیب، ج ۱، ص ۲۲۶)

شرح او اولین شرح کامل بر نهج البلاغه است. این شرح علاوه بر تقدم تالیف به جهت تخصص و تالیفات متعدد مولف در آن رابطه، دارای نکات ارزنده ای در زمینه های لغت شناسی، ادبی، بلاغی، توجه به اشعار عرب جهت فهم بهتر واژه ها و سخن امام، مباحث قرآنی، توجه به روایات، مباحث کلامی، فلسفی و تاریخی، نجومی و ... میباشد. هرچند وجه غالب شرح، ادبی بلاغی است ولی شارح به تناسب سخنان و عبارات نهج البلاغه را با رویکرد های کلامی و علمی شرح و بیان کرده است.

- تعداد استنادات قرآنی در ۵۰ خطبه اول ۱۳۰ مورد است که در تفسیر لغوی (شرح ادبی) و مباحث معنوی به ترتیب ۵۲ و ۷۸ مورد است.

- در ۳۰ خطبه هیچ‌گونه اسناد قرآنی وجود ندارد.



تعداد خطبه‌هاى بدون استناد قرآنى	گزارش‌هاى روايى و غير روايى	معناى تركيبى سياقى	تفسير لغوى	كل	استنادات قرآنى	
					شرح (عنوان شرح)	بيهقى معارج نهج البلاغه
۳۰	۰	۷۸	۵۲	۱۳۰	۱ جلدى	

جدول ۱: توزيع كمى و كیفى استنادهاى قرآنى شارح در ۵۰ خطبه اول شرح معارج نهج البلاغه همان طور كه مشاهده مى‌شود رويكرد غالب استنادات قرآنى در اين شرح، بيان مباحث مربوط به معناى تركيبى سياقى است ولى تفسير لغوى واژه‌ها و شرح ادبى نيز رقم قابل توجهى را به خود اختصاص داده است كه با توجه به رويكرد كلّى اين شرح (ادبى) چنين نتيجه‌اى دور از انتظار نيست. همچنين استنادات قرآنى در قسمت گزارش‌هاى روايى و غير روايى ناچيز و تقريباً صفر است.

۱-۱ نمونه استنادات قرآنى در شرح معارج نهج البلاغه بيهقى در تفسير لغوى (شرح ادبى):
در خطبه ۴ حضرت مى‌فرمايد:

«اليوم انطق لكم العجماء ذات البيان»

امروز است كه من هر گنگ و بى‌زبانى را كه نطق ويابى در بردارد براى شما به زبان مى‌آورم. شارح در تفسير عبارت "ذات البيان" مى‌گويد: "البيان": الفصل بين الحق والباطل فى قوله تعالى، «هذا بيان للناس» (آل عمران/ ۱۳۸) و قوله: «علمه البيان»، و "ذات البيان": حقيقه البيان مأخوذ من قوله الله تعالى، «ذات بليغكم» (انفال/ ۱) يعنى حقيقه فصلكم. (بيهقى، ۱۴۰۹، ۸۷).

در اين نمونه از استناد قرآنى كه بيان شد، شارح براى تفسير عبارت "ذات البيان" سه مورد شاهد قرآنى را ذكر مى‌كند: "هذا بيان للناس - علمه البيان - ذات بينكم." به علت آشنائى و انس مخاطب با قرآن و مفهوم واژه‌هاى آن، شارح به خوبى اين سه مثال قرآنى را براى درك بهتر عبارت "ذات البيان" به كار مى‌برد.

۲-۱ نمونه استناد قرآنى در بيان مباحث مربوط به معناى تركيبى سياقى از همين شارح در خطبه ۱۲: هنگامى كه خداوند حضرت على (عليه السلام) را بر اصحاب جمل پيروز گردانيد، يكى از ياران آن حضرت گفت: دوست داشتم برادرم حاضر بود كه حضرت فرمود: آيا ميل اوباما بود؟ او گفت: بله و امام فرمود: «فقد شهدنا ولقد شهدنا فى عسكرنا»

در عبارتی که امام بیان فرموده است، ادات تأکید بارز است و امیدواری امام به آن فرد که اگر میل و اعتقاد برادرت با ما باشد، حتماً در این پیکار و مبارزه او نیز با ما بود «لقد شهدنا فی عسکرنَا». شارح برای تفسیر این بخش از سخن امام، ابتدا بیان می‌کند که دلیل حرف امام این است که وقتی آیندگان در نیات و اعتقادات موافق گذشتگان باشند، حکم آن‌ها باهم یکی است و در تأیید کلام امام و دلیل سخن خود و تقویت آن، به دو شاهد قرآنی استناد می‌کند که خداوند یهودیان مدینه را خطاب می‌کند که «وإذ قُلْتُمْ نَفْساً» (بقره/۷۲). (شما نفسی را کشتید.) درحالی که این عمل توسط یهودیان زمان حضرت موسی انجام شده بود نه یهودیان مدینه آن‌هم در زمان پیامبر اسلام ﷺ و هم چنین فرموده خداوند «وإذ قُلْتُمْ یا موسی» (بقره/۵۵) (شما به موسی گفتید.) و علت این خطاب خداوند این بود که آن‌ها عقاید و نیاتشان مثل هم بود و در نتیجه حکمشان شبیه هم خواهد بود. (رک، بیهقی، ۱۴۰۹، ۹۴) به همین دلیل حضرت علی (علیه السلام) فردی که در جنگ حضور نداشت اما هوادار حضرت بود و حتی کسانی که بعدها به دنیا می‌آیند را در زمره لشکریان و یاران خود به حساب آورد که شارح با ارتباط دادن این کلام امام با دو عبارت قرآنی، مفهوم سخن حضرت را به خوبی به مخاطب منتقل کرده است.

۲- شرح ابن میثم:

کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی در گذشته به سال ۶۷۹ یا ۶۹۹ یا بین آنها. (آغا بزرگ، ج ۱۴، ص ۱۴۹). فیلسوف متبحر و حکیم الهی که سه شرح بر نهج البلاغه دارد و این شرح کبیر اوست. (حسینی خطیب، ج ۱، ص ۲۴۳) از ویژگی های شرح ابن میثم جامعیت شارح در علوم عقلی و نقلی و در اختیار داشتن نسخه سید رضی و تقریر برهانی نهج البلاغه و تحقیقات عرفانی و تقریر علمی حکمت های اخلاقی و استفاده از علوم عصری و داوری بین شرح قطب راوندی و ابن ابی الحدید و موجود بودن نسخه های دست خط مولف از ویژگی های ممتاز این شرح است. (پهلوان، ۱۳۸۶، صص ۳۳-۴۶) تعداد استنادات قرآنی در این شرح در ۵۰ خطبه اول ۴۰۴ مورد است که در تفسیر لغوی (شرح ادبی) ۱۲۴ مورد، مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی ۲۷۲ مورد و ۲ نمونه هم استناد قرآنی در گزارش های روایی و غیر روایی ذکر شد.

قابل ذکر است که به علت گستردگی مطالب و تنوع مباحث اعتقادی خطبه اول، توجه زیادی در شرح و تفسیر به آن شده است و متناسب با آن استنادات قرآنی هم فراوان به کار رفته است.

- در اینجا نیز رویکرد غالب استنادات قرآنی بیان مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی است و

تفسیر لغوی و شرح ادبی کمتر از نیمی از کل استنادات را تشکیل می‌دهد که با توجه به رویکرد کلی شرح (کلامی و فلسفی) این نتیجه قابل پیش‌بینی است.

تعداد خطبه‌های بدون استناد قرآنی	گزارش‌های روایی و غیر روایی	معنای ترکیبی سیاقی	تفسیر لغوی	کل	استنادات قرآنی	
					این میثم شرح ابن میثم	۵ جلدی
۱۷	۸	۲۷۲	۱۲۴	۴۰۴		

جدول ۲: توزیع کمی و کیفی استنادهای قرآنی شارح در ۵۰ خطبه اول شرح ابن میثم

۱-۲ نمونه استناد قرآنی در بیان نکات بلاغی از تفسیر لغوی (شرح ادبی) در خطبه ۲۸ از شرح ابن میثم: در قسمتی از این خطبه که درباره دل‌تنگی امام از یاری نکردن اصحابش است، می‌فرماید:

«كَلَامُكُمْ يُوْهِي الضَّمَّ الصَّلَابِ وَفُلُكُمْ يَطْمَعُ فِيكُمْ الْاَعْدَاءُ»

(گفتار شما سنگ خارا را سست می‌کند ولی کردارتان دشمن را درباره شما به طمع می‌اندازد).

شارح می‌گوید: حضرت دو لفظ "الصم الصلاب" را که از اوصاف سنگ‌های سخت است برای دل‌هایی که از شنیدن سخنان آن‌ها ضعیف و سست می‌شد استعاره آورده است در قرآن کریم چنین تشبیهی است:

«فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ اَوْ اَشَدُّ قَسْوَةً» (بقره/ ۷۴)

(همچون سنگ خارا یا سخت‌تر). (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۲، ۵۲)

حضرت بیان می‌دارد که گفتار شما مردم کوفه دل‌های سخت را سست می‌کند ولی در عمل هیچ اثری ندارد، ابن میثم در این عبارت امام به نکته بلاغی اشاره می‌کند و استعاره موجود در آن را با تشبیهی که به همین منظور در کلام خداوند آمده است مورد مطابقت قرار می‌دهد.

۲-۲ نمونه استنادات قرآنی در مباحث معنوی در شرح ابن میثم در خطبه ۲۴:

شکایت حضرت از یاران بی‌وفایش و نفرین ایشان در مورد کوفیان متمرّد:

«اللَّهُمَّ مَثَلُ قُلُوبِهِمْ كَمَا يَمُتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ»

خداوندا دل‌هایشان را از ترس و وحشت ذوب گردان چنانکه نمک در آب ذوب می‌شود.



شارح می گوید: امام در اینجا از پیامبران گذشته در دل تنگی و شکایت به خداوند متعال پیروی کرده است چنانکه نوح علیه السلام فریاد برمی آورد:

«قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» (نوح ۴-۵)

نوح گفت: پروردگارا من قوم خود را شب و روز به سوی تو دعوت کردم. اما دعوت من چیزی جز فرار از حق بر آن ها نیفزود)

و سپس این دعا را با این جمله که امیدی به اصلاح آن ها نیست به پایان برده است و عرضه می دارد:

«رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذَيَّارًا» (نوح ۲۶)

(پروردگارا روی زمین احدی از کافران را زنده مگذار).

و مانند نفرین حضرت لوط درباره قومش: «إِنِّي لَعَمْرِي لَكُم مِّنَ الْقَالِينَ» (شعراء ۱۶۸)

(من به هر حال دشمن اعمال شما هستم). (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۲، ۲۳)

مشاهده می شود که شارح درباره علت شکوه و نفرین حضرت با ذکر ۳ مثال قرآنی بیان می دارد که این گونه شکایات و نفرین ها در کلام پیامبران الهی نیز سابقه داشته است.
۲-۳ نمونه اسناد قرآنی در گزارش های روایی و غیر روایی از خطبه اول:

امام می فرماید: «کتاب ربکم فیکم» در این عبارت نهج البلاغه که از قرآن و ویژگی های آن یاد شده است شارح در ادامه شرح این بخش از سخن امام، به آداب تلاوت قرآن اشاره و جهت تقویت کلام خود به روایتی استناد می کند: «نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابن مسعود فرمود: برایم قرآن بخوان.

ابن مسعود می گوید سوره نساء را گشودم تا به این آیه رسیدم

«فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَاكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء / ۴۱).

(حال آن ها چگونه است آن روزی که از هر امتی گواهی می آوریم و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد).

دیدم که دو چشم پیامبر صلی الله علیه و آله پر از اشک شده بود و فرمود: بس است و ... خلاصه منظور از خواندن قرآن این است که این احوال در انسان پدید آید. (ابن میثم، ۱۴۰۴، ج ۱، ۴۳۶).

۳- شرح ابن ابی الحدید:

شیخ عز الدین حامد عبدالحمید بن هبة الله بن ابی الحدید معتزلی متولد مدائن و درگذشته در بغداد سال ۶۵۵. (آغانزرگ، ج ۱۴، ص ۱۵۸) شرح ابن ابی الحدید مشهورترین شرح است و بیشترین نشر را

دارد و شبیه به دایره المعارف لغوی و ادبی و تاریخی و فلسفی است. این شرح بخش‌هایی از منابع پیشین و کتاب‌های ارزشمند را در بر دارد که در هجوم مغولان نابود گردید و اثری از آنها نمانده که به ارزش این اثر افزوده است. شرح او مبدا اساسی برای دیگر شروح نهج البلاغه است که تا به امروز به عرصه علمی قدم نهاده اند و شروح مزبور بی‌نیاز از این شرح نیستند. البته برخی از فهم‌های خطا از سوی شارح را دیگر شارحان متاخر متذکر شده‌اند. شارح، تطویل و استطراد‌های ضروری و غیر ضروری ضمن کلام امام انجام داده است. (حسینی خطیب، ج ۱، ص ۲۳۳-۲۳۴). ارزش ادبی و تاریخی شرح او بر دیگر ارزش‌های آن افزوده است. استفاده از اشعار فراوان در این کتاب به چشم می‌خورد که حدود یک پانزدهم مجموع مطالب کتاب به شواهد شعری اختصاص دارد. (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۸، صص ۵۸-۶۵). تعداد استنادات قرآنی در ۵۰ خطبه اول ۲۸۶ مورد که گزارش‌های روایی و غیر روایی ۱۱۶ مورد و در تفسیر لغوی و شرح ادبی ۹۰ مورد و مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی ۸۰ مورد و خطبه اول ۶۶ مورد استناد قرآنی وجود دارد.

با توجه به این که رویکرد کلی شرح، تاریخی و بیان مسائل بلاغی و نکات ادبی است، تعداد استنادات قرآنی در گزارش‌های روایی و غیر روایی از دیگر استنادات بیشتر است و تفسیر لغوی و شرح ادبی در رتبه بعدی قرار دارد که چون ابن ابی‌الحدید، یک ادیب و سخن‌دان و شاعر است به نکات بلاغی توجه بسیاری نموده است.

۳-۱ نمونه استناد قرآنی در تفسیر لغوی (شرح ادبی) از شرح ابن ابی‌الحدید:

در خطبه اول: حضرت علی (علیه السلام) درباره ابلیس که شقاوت بر او غلبه کرد و به آدم سجده نکرد می‌فرماید: «اعتزتهم الحمیه و غلبت علیهم الشقوه».

شارح در بیان مفهوم واژه "شقوه" می‌گوید: «الشقوه به کسر شین است و در کتاب عزیز آمده: «رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا» (مؤمنون/۱۰۶) (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱، ۹۸). در اینجا شارح با تمرکز بر واژه «شقوه» سریعاً ذهن مخاطب را به یک شاهد قرآنی پیوند می‌زند و درک مفهوم آن را آسان می‌کند.

۳-۲ نمونه‌ای از استناد قرآنی در معنای ترکیبی سیاقی در خطبه ۳۴ از شرح ابن ابی‌الحدید:

در این خطبه حضرت علی (علیه السلام) مردم کوفه را نکوهش می‌کند از این که از جهاد می‌گریزند و امکان تسلط دشمن را به خود می‌دهند. شارح برای توجیه این سرزنش و نکوهش مردم کوفه از جانب امام، بیان می‌دارد که ابتدا این‌گونه نبود و حضرت بعد از رحلت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و پیروزی بر اصحاب جمل، کوفه و



مردمش را مدح می‌کرد. ولی با مشاهده علائم سستی در یارانش در مسئله حکمیت، کوفیان وی را یاری نکرده و در وقایع بعد از آن که از امر امام سرباز زدند، آن ستایش‌ها تبدیل به نکوهش شد و این امری است که در طبیعت بشر نهفته است که رسول خدا هم این‌گونه بود و قرآن نیز همین‌طور در باره انصار هنگامی که به پا خاستند آن‌ها را ستایش کرد و هنگامی که در غزوه تبوک تقاعد ورزیدند نکوهش کرد پس گفت:

«فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»

(توبه / ۸۱) (شاد گردیدند کناره‌گزیدگان به سبب بازنشستن خویش علی‌رغم خواست رسول خدا ﷺ و ناپسند داشتند که با اموال و جان‌هایشان در راه خدا به جهاد پردازند) (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۹۷)

تعداد خطبه‌های بدون اسناد قرآنی	گزارش‌های روایی و غیر روایی	معنای ترکیبی سیاقی	تفسیر لغوی	کل	استنادات قرآنی	
					شارح (عنوان شرح)	ابن ابی‌الحدید شرح ابن ابی‌الحدید
۱۴	۱۱۶	۸۰	۹۰	۲۸۶	۲۰ جلدی	

جدول ۳: توزیع کمی و کیفی اسنادهای قرآنی شارح در ۵۰ خطبه اول شرح ابن ابی‌الحدید

۳-۳ نمونه اسناد قرآنی در گزارش‌های روایی و غیر روایی در خطبه ۳۶ از شرح ابن ابی‌الحدید: در این خطبه حضرت به نهروانیان سخنانی را بیان می‌دارد و آن‌ها را بیم می‌دهد از این‌که هر کاری بدون بینه و برهان روشن انجام دهند. شارح حین شرح این خطبه به ذکر اخبار خوارج می‌پردازد و می‌گوید: «ابوالعباس گفت: محدثان روایت کرده‌اند که مردی در حضور حضرت علی (علیه‌السلام) تلاوت کرد: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا. الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيمُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (کهف/ ۱۰۳-۱۰۴) (می‌خواهید شمارا به زیانکارترین مردم آگاه سازم به آن‌ها که سعی‌شان در زندگی دنیا گم‌گشت حال آنکه می‌پندارند که نیکوکاری می‌کنند.)

پس حضرت علی علیه السلام فرمود: «اهل حروراء^۱ از جمله ایشان هستند». (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲، ۲۷۹).

در این شرح با توجه به این که تاریخ و بیان رویدادها و وقایع جایگاه ویژه‌ای دارد، شارح ضمن بیان سخنان حضرت با نهروائیان و شرح آن، به ذکر واقعه‌ای می‌پردازد و تلاوت قرآن توسط فردی را بیان می‌دارد که حضرت یکی از مصادیق افراد زبانکار در آیه‌ی تلاوت شده را همین خوارج می‌داند و شارح به خوبی برای شناساندن خوارج به مخاطب، ذکر این رویداد تاریخی را در شرح خود لازم می‌داند.

۴- شرح «تنبيه الغافلین و تذکره العارفين»:

مولی فتح الله بن شکرالله شریف کاشانی در گذشته به سال ۹۸۸. (آقا بزرگ، ج ۱۴، ص ۱۴۳). فقیه متکلم، مفسر آگاه از علمای دوران صفویه که تالیفات زیادی دارد، از جمله شرح نهج البلاغه به فارسی است که کتاب معروفیست و در اصفهان و شیراز و هرات و غیر از آن دیده شد. (جمعی از نویسندگان، ج ۴، ص ۳۱۸) این شرح بیشتر جنبه ادبی و لغوی دارد. تعداد کل استنادات قرآنی در این شرح از ۵۰ خطبه اول ۹۷ مورد است که در مباحث ترکیبی سیاقی ۵۵ مورد و بیان نکات ادبی و تفسیر لغوی ۴۰ مورد و ۲ مورد هم استناد قرآنی در روایت مشاهده شد. در خطبه اول ۷۷ مورد استناد قرآنی وجود دارد. با توجه به این که این شرح، رویکردی ادبی عرفانی دارد، تعداد استنادات قرآنی در مباحث ترکیبی سیاقی و لغوی (بیان) تقریباً نزدیک به هم است.

تعداد خطبه‌های بدون استناد قرآنی	گزارش‌های روایی و غیر روایی	معنای ترکیبی سیاقی	تفسیر لغوی	کل	استنادات قرآنی	
					شارح (عنوان شرح)	شماره
۳۳	۲	۵۰	۴۰	۹۷	۲ جلدی	مولی فتح الله کاشانی تنبيه الغافلین و تذکره العارفين

جدول ۴: توزیع کمی و کیفی استنادهای قرآنی شارح در ۵۰ خطبه اول شرح تنبيه الغافلین

۱. حروراء: صحرائی در نزدیکی کوفه که مرکز اجتماع خوارج بود.

۱-۴ نمونه استنادات قرآنی در تفسیر لغوی خطبه ۱۹ از شرح مولی فتح‌الله کاشانی:
در این خطبه حضرت درباره کسی که از همه منفورتر در نزد خداوند و گمراه‌کننده دیگران است،
می‌فرماید:

«حَمَلُ خَطَايَا غَيْرِهِ رَهْنٌ بِخَطِيئَتِهِ»

(برپشت دارنده خطاهای دیگران و گروگان و دست‌وپابسته خطاهای خویش است.)

شارح در شرح این قسمت از سخن حضرت می‌گوید: «درگرو است به گناه خود و گرفتار است به کار
تباه خود چنانچه حق تعالی می‌فرماید:

«لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ» (نحل/۲۵)

یعنی ایشان ضال و مضل شدند تا بردارند بار گناهان خود را به تمام روز رستخیز و بردارند بعضی از
گناهان آنان که گمراه ساخته‌اند ایشان را بی‌دانشی یعنی آن مقدار که حصه اضلال باشد. غرض که هم
عقوبت خود خواهند کشید به تمام و هم حصه آن قوم که ایشان را گمراه کرده است.» (کاشانی، ۱۴۲۰،
ج ۱، ۱۵۹)

مشاهده می‌شود که استناد قرآنی در اینجا به صورت اشاره شارح به صنعت تلمیح است و سخن
حضرت را برگرفته از کلام خداوند می‌داند.

۲-۴ نمونه استناد قرآنی در مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی در خطبه اول از شرح مولی فتح‌الله
کاشانی:

در مورد قصه ابلیس که سجده نکرد بر آدم «و تَعَزَّزُوا بِمَخْلَقَةِ النَّارِ وَاسْتَوٰهِنُوا خَلْقَ الصَّلٰوٰتِ» و خلقت از
گل را خوار شمرد. شارح این‌گونه به شرح عبارت امام می‌پردازد: «آدم که از خاک بود بیبوست و مطیع
شد تا خلعت «ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ» (طه/۱۲۲) یافت. ابلیس که از آتش بود بگسست تا به فرموده «فَاهْبِطْ
مِنْهَا» (اعراف/۱۳) مردود گشت.» (کاشانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ۸۱)

مشاهده می‌شود که شارح برای انتقال این مفهوم به مخاطب که: نتیجه عمل ابلیس و استکبار او
هبوط و نتیجه اطاعت و توبه حضرت آدم برگزیده شدن او بود، به دو شاهد قرآنی استناد می‌کند و با این
کار هم به معنای جملات و تقویت و استحکام آن کمک می‌کند و هم به زیبایی نثر خود می‌افزاید و هم
بیان ادبی عرفانی خود را به قرآن مزین می‌سازد.

۵- شرح فی ظلال نهج البلاغه:

محمد جواد مغنیه درگذشته به سال ۱۳۹۹ ه ق که شرح او سبکی روان به سبک جدید است. (دلشاد



تهرانی، ص ۳۶۲) شرح فی ظلال شرحی امروزین، اجتماعی و متناسب با فهم عمومی از نهج البلاغه و مطابق با مقتضیات عصر کنونی است. ویژگی بارز آن را میتوان در اختصار نویسی، ساده نویسی و بیان حرف‌ها و سخنانی جدید از دنیای امروز و دیروز دانست و تأثیرپذیری از فضای سیاسی حاکم بر دنیای جدید. (رفعت، ۱۳۸۹، صص ۱۰۳-۱۳۱) تعداد کل استنادات قرآنی در ۵۰ خطبه اول ۱۶۷ مورد است که در بیان مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی ۱۱۹ مورد و تفسیر لغوی و بیان نکات ادبی ۴۶ مورد و ۲ مورد هم استناد قرآنی در روایت مشاهده شد. در خطبه اول ۷۸ مورد استناد قرآنی وجود دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعداد استنادات قرآنی متناسب با رویکرد کلی این شرح است و بیشترین مورد در مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی و سپس کمتر از نیمی از استنادات در تفسیر لغوی مشاهده شده است.

تعداد خطبه‌های بدون استناد قرآنی	گزارش‌های روایی و غیر روایی	معنای ترکیبی سیاقی	تفسیر لغوی	کل	استنادات قرآنی	
					شارح (عنوان شرح)	مغنیه فی ظلال نهج البلاغه
۲۲	۲	۱۱۹	۴۶	۱۶۷	۴ جلدی	

جدول ۵: توزیع کمی و کیفی استنادهای قرآنی شارح در ۵۰ خطبه اول شرح فی ظلال نهج البلاغه

- ۱-۵ نمونه استناد قرآنی در بیان نکات ادبی و تفسیر لغوی در خطبه اول از شرح مغنیه:
- حضرت درباره خداوند می‌فرماید «غیر کلّ شیء لا بمزایله» و شارح در شرح و تفسیر این عبارت امام می‌گوید «المزایله = المفارقة = جدایی و در قرآن آمده: «فَرَزْنَا بَيْنَهُمْ» (یونس/۲۸) = فرقتنا بینهم یعنی بین آن‌ها جدایی افکندیم» (مغنیه، ۱۴۰۰، ج ۱، ۲۱)
- در اینجا استناد قرآنی شارح برای بیان مفهوم "مزایله" بسیار گویا است و نیاز به توضیح ندارد.
- ۲-۵ نمونه استنادات قرآنی در بیان مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی در خطبه ۲۸ از شرح مغنیه:
- حضرت می‌فرماید:
- «أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بَوْسَه»

آیا عمل کننده‌ای برای خود نیست که پیش از فرارسیدن روز بیچارگی و نکبتش برای خود بکوشد؟»

شارح در تفسیر این عبارت امام می‌گوید: «که خداوند سبحان اجر کسی که نیکو عمل کند را ضایع نمی‌کند بلکه به‌طور کامل جزایش به خیر می‌دهد و بیشتر از آن را از روی فضل عطا می‌کند.» و برای تأکید کلام خود به این آیه استناد می‌کند که «لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ» (نور/۳۸) هدف این است که خداوند آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش دهد و از فضلش بر پاداش آن‌ها بیفزاید. (مغنیه، ۱۴۰۰، ج ۱، ۱۹۷)

۶- شرح نهج البلاغه عبده:

شیخ محمد بن عبده مفتی دیار مصر درگذشته به سال ۱۳۲۳ ه. ق. او از کسانی است که به صحت نسبت همه محتویات نهج البلاغه با همه مفرداتش به امیرالمومنین (علیه السلام) اعتقاد دارد. تا جایی که الفاظ نهج البلاغه را حجت و دلیلی بر معاجم لغت قرار داده است. (حسینی خطیب، جلد ۱، ص ۲۶۷) شرح او بیان نکات لغوی و توضیحاتی سودمند در مباحث مختلف است. با توجه به کوتاهی این شرح، تعداد کل استنادات قرآنی در ۵۰ خطبه اول ۲۵ مورد است که بیان مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی ۱۳ مورد و تفسیر لغوی ۱۲ مورد و خطبه اول ۱۳ مورد استناد قرآنی دارد.

البته در بخشی از خطبه اول که مربوط به بیان احکام موجود در قرآن است از جمله حرام و حلال و فرائض و فضائل و ناسخ و منسوخ و ... تمامی شارحان استنادات قرآنی فراوانی داشته‌اند که شرح عبده نیز از این قاعده مستثنی نیست و وجود ۱۳ مورد استناد قرآنی در مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی به همین علت است و در بقیه خطبه‌ها، استنادات قرآنی مربوط به تفسیر لغوی و بیان نکات ادبی است.

۱-۶ نمونه استناد قرآنی در تفسیر لغات (شرح ادبی) در خطبه ۲۶ از شرح عبده:

حضرت درباره کسی که از روی بی میلی جهاد را ترک کند، در بخشی از سخنان خود می‌فرماید: «و ضَرِبَ عَلَيَّ قَبِيلَهُ بِالْأَسْدَادِ» که عبده در بیان مفهوم واژه "اسداد" می‌گوید که "الأسداد" جمع "سد" است و به معنای حجبی است که مانع بصیرت و هدایت می‌گردد و خداوند تعالی می‌فرماید:

«وَجَعَلْنَا مَن بَيْنَ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (یس/۹)

(و در پیشروی آن‌ها سدی قرار دادیم و در پشت سرشان سدی و چشمان آن‌ها را پوشاندیم. لذا چیزی را نمی‌بینند.) (عبده، بی تا، ۶۴)



تعداد خطبه‌های بدون استناد قرآنی	گزارش‌های روایی و غیر روایی	معنای ترکیبی سیاقی	تفسیر لغوی	کل	استنادات قرآنی	
					شارح (عنوان شرح)	عبدہ شرح عبدہ
۴۲	۰	۱۳	۱۲	۲۵	۱ جلدی	

جدول ۶: توزیع کمی و کیفی استنادات قرآنی شارح در ۵۰ خطبه اول شرح عبده

۷- شرح منهج البراعه فی شرح نهج البلاغه:

سید حبیب الله بن سید محمد، معروف به امین الرعايا یا الموسوی الخویی در گذشته به سال ۱۳۲۴ هـ ق. (حسینی خطیب، جلد ۱، ص ۲۶۹) شرح او از شرح‌های مفصل و حجیم است که تقید شارح نسبت به نقل آیات و روایات ویژگی برجسته این شرح است. مشخصات ساختاری این شرح: مشخص کردن مخاطب کلام امام و یا نامه امام، معرفی شخصیت‌ها، بیان طرح کلی و تصویری کلان از کلام امام، عنواندهی به شرح سخنان امام، شرح درون‌متنی و جمله به جمله. مشخصات محتوایی این شرح عبارت است از: تقسیم‌بندی موضوعی، استفاده بی‌شمار از آیات قرآن، شرح روایی، بررسی شبهات، ذکر خاستگاه امثال و اشعار، توجه به نسخ متعدد و بازیابی متون، توجه به منابع و اسناد سخنان امام است. (رفعت، ۱۳۹۰، صص ۲۰۷-۲۴۴) این شرح ۲۱ جلدی و عربی است. (تا جلد ۱۴ را خوئی و بقیه تا جلد ۲۰ را علامه حسن‌زاده آملی و جلد ۲۱ را کمره‌ای شرح کرده‌اند) تعداد کل استنادات قرآنی در ۵۰ خطبه اول ۱۱۴۲ مورد است که در بیان گزارش‌های روایی و غیر روایی ۵۰۳ مورد و مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی ۳۹۱ مورد و تفسیر لغوی و نکات ادبی ۲۴۸ مورد استناد قرآنی دارد. همان‌طور که مشاهده می‌گردد در این شرح تعداد استنادات قرآنی بسیار زیاد است و در بیان روایات و تفسیر آیات رقم قابل ملاحظه ۵۰۳ به چشم می‌خورد.

البته در هر ۳ مورد مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی، لغوی و گزارش‌های روایی و غیر روایی شواهد قرآنی فراوان است که می‌توان گفت شرح خوئی مشحون از آیات قرآن است و بندگان سخنان امام با استناد به آیات قرآن ترجمه و شرح شده است.

خطبه‌های بدون استناد قرآنی	گزارش‌های روایی و غیر روایی	معنای ترکیبی سیاقی	تفسیر لغوی	کل	استنادات قرآنی	
					شارح (عنوان شرح)	خوئی منهاج البراعه
۴	۵۰۳	۳۹۱	۲۴۸	۱۱۴۲	۲۱ جلدی	

جدول ۷: توزیع کمی و کیفی استنادهای قرآنی شارح در ۵۰ خطبه اول شرح منهاج البراعه

۱-۷ نمونه استنادات قرآنی در تفسیر ادبی بلاغی در خطبه اول از شرح خوئی:

حضرت علی علیه السلام درباره خداوند می‌فرماید: «الذی لیس لصفته حدٌ محدودٌ». خوئی در ترجمه و شرح آن می‌گوید: ممکن است وصف حد به محدود از باب مبالغه و تأکید باشد از قبیل شعر شاعراً «حجراً مجوراً» (فرقان/۲۲) و «تسیاً منسیاً» (مریم/۲۳). یا مفعول به معنی فاعل باشد همچنان که خداوند تعالی می‌فرماید «حجاباً مستوراً» (اسرا/۴۵) یعنی ساتراً و «کان وعلو مائياً» (مریم/۶۱) یعنی آتیا (وعده او آمدنی) است. (خوئی، ۱۴۰۰، ج ۱، ۳۰۶)

۲-۷ نمونه استناد قرآنی در بیان مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی در خطبه اول از شرح خوئی:

درباره کیفیت علم خداوند به اشیاء قبل از تکوین و ایجاد آن‌ها که خوئی برای شرح و تفسیر این قسمت از کلام امام ادله فراوان می‌آورد که علم خداوند به جمیع اشیاء به کلیات و جزئیات آن‌ها است و در بخشی از شرح خود می‌گوید: «خداوند در فاعلیت تام است به همین علت در اعمال و کارهای خود احتیاج به امری خارج از ذات خود ندارد بلکه «إنما أمرُهُ إذا شئنا أن یقولَ لَهُ کُنْ فیکونُ» (یس/۸۲). (فرمان او تنها این است که هرگاه چیزی را اراده کند به او می‌گوید باش آن نیز بلافاصله موجود می‌شود). (خوئی، ۱۴۰۰، ج ۱، ۳۶۷)

در اینجا مشاهده می‌شود که شارح با توجه به تأثیر فوق‌العاده قرآن بر فهم مخاطب پایان سخن خود را به این آیه متناسب با کلام خود پیوند می‌دهد و به آن قطعیت می‌بخشد.

۳-۷ نمونه استنادات قرآنی در گزارش‌های روایی و غیر روایی در خطبه ۱۶ از شرح خوئی:

حضرت علی علیه السلام در این خطبه افراد را به ۳ گروه سابقین و لاحقین و مقصربین تقسیم می‌کند، آقای خوئی در شرح این کلام حضرت، روایتی از علی ابن ابراهیم در تفسیر سخن خداوند در قرآن می‌آورد که:

«وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ...» (توبه/۱۰۰). گفت: آن‌ها (سابقون) تقیاء هستند، ابوذر- مقداد- سلمان- عمار و کسانی که ایمان آوردند و تصدیق کردند و ثابت ماندند بر ولایت علی (علیه السلام). (خوئی، ۱۴۰۰، ج ۳، ۲۳۷). در اینجا شاهد قرآنی، در قالب یک روایت تفسیری به کار برده شده است.

خطبه‌های بدون استناد قرآنی	گزارش‌های روایی و غیر روایی	معنای ترکیبی سیاقی	تفسیر لغوی	کل	استنادات قرآنی	
					شارحان (شروح)	بیهقی معارج نهج البلاغه
۳۰	۰	۷۸	۵۲	۱۳۰	۱ جلدی	بیهقی معارج نهج البلاغه
۱۷	۸	۲۷۲	۱۲۴	۴۰۴	۵ جلدی	ابن میثم شرح ابن میثم
۱۴	۱۱۶	۸۰	۹۰	۲۸۶	۲۰ جلدی	ابن ابی‌الحدید شرح ابن ابی‌الحدید
۳۳	۲	۵۰	۴۰	۹۷	۲ جلدی	مولی فتح الله کاشانی تنبیه الغافلین
۴۲	۰	۱۳	۱۲	۲۵	۱ جلدی	عبده شرح عبده
۲۲	۲	۱۱۹	۴۶	۱۶۷	۴ جلدی	مغنیه فی ظلال نهج البلاغه
۴	۵۰۳	۳۹۱	۲۴۸	۱۱۴۲	۲۱ جلدی	خوئی منهج البلاغه

جدول ۸: مقایسه استنادات قرآنی شرح‌های مورد مطالعه در ۵۰ خطبه اول نهج البلاغه همچنان‌که جدول نشان می‌دهد، تعداد استنادات قرآنی در شرح منهج البراعه خوئی با ۱۱۴۲ مورد رتبه اول و پس‌از آن شرح ابن میثم با ۴۰۴ مورد در رتبه بعدی قرار دارد. شرح عبده با ۲۵ مورد کمترین استناد قرآنی را دارد و پس‌از آن شرح مولی فتح‌الله کاشانی است که ۹۷ استناد قرآنی دارد. در شرح خوئی تعداد استنادات قرآنی خطبه اول بیشترین مقدار (۶۱۶ مورد) و پس‌از آن ابن میثم با ۲۷۰ مورد در رتبه بعدی قرار دارد.

در گونه‌های مختلف استناد قرآنی، شرح بیهقی در بیان مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی بیشترین استناد قرآنی را به کار برده است و شرح ابن میثم نیز همین‌طور ولی شرح ابن ابی‌الحدید در

گزارش های روایی و غیر روایی بیشترین شواهد قرآنی را در شرح خود به کار برده است. شرح مولی فتح‌الله کاشانی استنادات قرآنی را در تفسیر لغوی و مباحث مربوط به معنای ترکیبی سیاقی تقریباً به یک نسبت داشته است و شرح عبده هم همین گونه. در شرح خوئی بیشترین شواهد قرآنی در گزارش های روایی و غیر روایی است.

در بین شارحان، شرح خوئی فقط در ۴ خطبه هیچ‌گونه استناد قرآنی به کار نبرده است و ابن ابی‌الحدید با ۱۴ مورد در رتبه بعدی قرار دارد و شرح مولی فتح‌الله کاشانی و بیهقی به ترتیب ۳۳ و ۳۰ خطبه بدون استناد قرآنی داشته‌اند. البته شرح عبده با تعداد بسیار اندک شواهد قرآنی، فقط در ۸ خطبه استناد قرآنی داشته است که می‌توان گفت دارای بیشترین تعداد خطبه‌های بدون استناد قرآنی است (۴۲ خطبه).

نتایج:

وجود استنادهای قرآنی و شواهد فراوان از آیات الهی در شروع نهج‌البلاغه، گویای این حقیقت است که برای شرح و تفسیر کلام امام علی (علیه‌السلام)، آن قرآن ناطق و مفسر قرآن، استنادی بهتر از خود قرآن برای تأیید کلام وی پیدا نمی‌شود. شارحان نیز که به‌خوبی این نکته را دریافتند شروع خود را با شواهد قرآنی تقویت، مؤکد، مستدل و مزین ساختند. البته کیفیت و کمیت به‌کارگیری استنادات قرآنی در شروع نهج‌البلاغه متفاوت بوده و ارتباط مستقیم با رویکرد کلی شارح دارد. در شرح ابن ابی‌الحدید که رویکرد غالب آن تاریخی ادبی است، بیشترین کاربرد آیات قرآنی در گزارش های روایی و غیر روایی مشاهده می‌شود و پس از آن در بیان نکات ادبی و بلاغی استناد قرآنی وجود دارد که مشاهده این نتیجه از رویکرد کلی شرح ابن ابی‌الحدید دور از انتظار نیست. در شرح خوئی که بیان روایات معصومین در آن، به فراوانی قابل مشاهده است، شواهد قرآنی به کار رفته نیز در همین موارد است یعنی وجود روایات تفسیری فراوان، تعداد استنادات قرآنی را در این شرح افزایش داده است. در شرح تنبیه الغافلین که رویکردی ادبی عرفانی دارد کاشانی استنادات قرآنی را در بیان نکات ادبی بلاغی و معنای ترکیبی سیاقی تقریباً یکسان به کار برده است. شرح ابن میثم که رویکردی کلامی فلسفی دارد، بیشترین شواهد قرآنی را در بیان معنای ترکیبی سیاقی به کار برده است.

از جهت کمی، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش، در بین شروع ذکر شده شرح خوئی

بیشترین استنادات قرآنی را در کل داشته است. همچنین در بیان نکات ادبی بلاغی و معنای ترکیبی سیاقی و گزارش‌های روایی و غیر روایی، شرح خوئی بیشترین استناد قرآنی را در هر سه مورد داشته است. در شرح عبده کمترین استنادات قرآنی به کاررفته است که البته به علت گستردگی شرح خوئی و کوتاهی شرح عبده، همین نتیجه انتظار می‌رود. البته همیشه گستردگی شرح و یا کوتاهی آن با تعداد استنادات قرآنی تناسب ندارد زیرا شرح خوئی که ۲۱ جلد است، دارای ۱۱۴۲ مورد استناد قرآنی (در ۵۰ خطبه اول) و شرح ابن ابی‌الحدید با همین گستردگی (۲۰ جلد) دارای ۲۸۶ مورد استناد قرآنی است یعنی در شرح خوئی تقریباً ۳ برابر شرح ابن ابی‌الحدید شواهد قرآنی وجود دارد. از سوی دیگر، شرح ابن میثم که فقط ۵ جلد است دارای ۴۰۴ مورد استناد قرآنی (در ۵۰ خطبه اول) است. با مشاهده این نتایج می‌توان گفت استفاده از آیات قرآن و به‌کارگیری شواهد قرآنی در شروح نهج البلاغه، بستگی به حضور قرآن در ذهن شارح و توانایی استفاده از آن در مباحث شرح دارد تا در موقعیت مناسب، از قرآن و آیات و الفاظ آن جهت تأیید کلام حضرت و تأکید سخن و عظمت شرح خود استفاده کنند. حاصل این تحقیق، برای شارحان بعدی نهج البلاغه این پیام را دارد که با توجه به پیوند ناگسستنی قرآن و نهج البلاغه، باید بیش از پیش کلام امیرالمؤمنین را به آیات قرآن گره زد و از قرآن برای فهم سخنان حضرت مدد جست.



منابع:

قرآن کریم

- نهیج البلاغه، سید رضی، محمد بن حسین، ۱۳۹۴ ش، ترجمه محمدمهدی جعفری، تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ ششم.
۱. آقابزرگ، محسن بن علی، ۱۴۰۸ ق، *الذریعه الى تصانیف الشیعه*، قم: اسماعیلیان.
 ۲. ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید، ۱۳۷۸ ش، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول.
 ۳. ابن میثم، کمال الدین میثم بن علی، ۱۴۰۴ ق، *شرح نهج البلاغه*، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم.
 ۴. البیهقی، علی بن زید، ۱۴۰۹ ق، *معارض نهج البلاغه*، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، مصحح محمدتقی دانش پزوه، چاپ اول.
 ۵. التفتازانی، مسعود بن عمر، ۷۹۲ ق، *مختصر المعانی*، قم: دار الفکر.
 ۶. جعفری، محمدتقی، ۱۳۵۷ ش، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
 ۷. حسینی اشکوری، احمد، مرعشی، محمود بن شهاب الدین، افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، بی تا، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، مطبعه خیام، بی جا.
 ۸. حسینی خطیب، عبدالزهرا، ۱۳۶۷ ق، *مصادر نهج البلاغه و اسانیده*، بیروت: دارالزهرا.
 ۹. الخوئی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ ق، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، طهران، مکتبه الاسلامیه، مصحح سید ابراهیم میانجی، چاپ چهارم.
 ۱۰. دشتی، محمد، ۱۳۷۷ ش، *فرهنگ معارف شروح نهج البلاغه*، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ اول.
 ۱۱. سید رضی، محمد بن حسین، ۱۳۸۳ ش، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ بیست و دوم.
 ۱۲. _____، ۱۳۹۰ ش، *نهج البلاغه*، ترجمه علی شیروانی، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
 ۱۳. عبده، محمد، *شرح نهج البلاغه*، مصحح محمد محی الدین عبدالحمید، القاهره: مطبعة الاستقامة
 ۱۴. کاشانی، فتح الله، ۱۴۲۰ ق، *تنبيه الغافلین و تذکرة العارفين*، طهران، انتشارات پیام حق، مصحح سید محمد جواد ذهنی تهرانی، چاپ اول.

۱۵. معارف مجید، شریعتی نیاسر حامد، ۱۳۹۳ ش، *ارتباط نهج البلاغه با قرآن کریم*، تهران: انتشارات بنیاد، چاپ اول.
۱۶. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۰۰ ق، *فی ظلال نهج البلاغه*، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ دوم.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۷ ق، *پیام امام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- مقالات**
۱۸. پهلوان، منصور، ویژگی‌های شرح ابن میثم بحرانی بر نهج البلاغه، *مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۸۴، ۱۳۸۶، صص ۳۳-۴۶.
۱۹. حاجیان حسین آبادی، رضا، دلشاد تهرانی، مصطفی، روش شناسی ابوالحسن بیهقی در شرح معارج نهج البلاغه، *دوفصلنامه مطالعات روش شناسی دینی*، شماره دوم، پاییز و زمستان ۹۳، صص ۱۳-۳۳.
۲۰. رفعت، محسن، روش شناسی منهج البراعه فی شرح نهج البلاغه، *علوم حدیث*، شماره ۵۹، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۲۰۷-۲۴۴.
۲۱. رفعت، محسن، روش شناسی شرح فی ظلال نهج البلاغه، *فصلنامه علوم حدیث*، شماره ۵۵، بهار ۱۳۸۹، صص ۱۰۳-۳۱.
۲۲. فتاحی زاده، فتحیه، مرادی، لعیاء، روش شناسی علامه جعفری در شرح نهج البلاغه (با تأکید بر منابع و استنادهای تفسیری)، *پژوهش‌نامه علوی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۸۵-۱۱۲.
۲۳. مهدوی دامغانی، محمود، نکته‌هایی درباره ابن ابی الحدید و شرح نهج البلاغه، *میراث جاودان*، شماره ۲۶ و ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۷۸، صص ۵۸-۶۵.